

الگوی اسلامی امنیت اقتصادی زنان خانه‌دار

زهراسادات غمامی^۱

سید یحیی علوی^۲

چکیده

یکی از موضوعات مهم در سبک زندگی اسلامی، بحث نقش زنان در خانه و خانواده است. به رغم اهمیت فوق العاده نقش زنان خانه‌دار در اسلام، عدم کفایت حمایت‌های اقتصادی از آنان در نظام حقوقی کشور و تهاجم فرهنگی و سبک زندگی غربی سبب شده تا اشتغال زنان و کم‌رنگ شدن نقش آنان در خانواده، به معضلی اجتماعی برای جامعه ایران تبدیل شود. در فقه شیعه، سازه‌هایی با کارکرد تأمین اقتصادی زنان در خانواده وجود دارد که مهم‌ترین آن نفقه، مهریه و اجرت‌المثل است. با وجود این، حدود و همچنین جایگاه نظام‌مند این سازه‌ها برای تحقق هدف حمایت از زنان متأهل مشخص نیست. در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، ادله و دیدگاه‌های مطرح شده در فقه در خصوص نفقه، مهریه و اجرت‌المثل و شرایط و ضوابط آن بررسی و با استفاده از روایات و ترسیم نقش مطلوب زن در خانواده مد نظر اسلام، تلاش شده است مدلی پیشنهادی و نظام‌مند برای امنیت اقتصادی زنان خانه‌دار در اسلام استخراج شود. گرچه خانه‌داری و خانواده‌داری به عنوان نقش اصلی زنان مد نظر است، این فعالیت دارای ارزش اقتصادی است. بر اساس این تحقیق، در فقه شیعه امنیت اقتصادی زنان در دو بخش نیازهای عرفی از مسیر نفقه و در دیگر نیازهای اقتصادی از مسیر اجرت‌المثل محقق می‌شود و مهریه با هدف تأمین اقتصادی زنان تشریع نشده است. همچنین بخشی از امنیت اقتصادی زنان در کنار تضمین‌های حقوقی، تا حد زیادی به تعهدات اخلاقی اتکا دارد. این مدل، در بخش نیازهای عرفی، بر نفقه، و در دیگر نیازها بر تعهد اخلاقی مرد مبتنی است.

واژه‌های کلیدی: امنیت اقتصادی، زن خانه‌دار، نظام فقهی، نفقه، مهریه، اجرت‌المثل

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزای دانشگاه خوارزمی std_ghamami@khu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) sy.alavi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۵/۶

مقدمه

اسلام ارائه‌دهنده جامع‌ترین برنامه زندگی فردی و اجتماعی انسان است که در قالب احکام و تکالیف حقوقی و اخلاقی در قرآن و سنت تدوین شده است و استخراج آن، کارویژه فقیه به شمار می‌آید (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۵). گرچه فقه سنتی به طور کامل پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای فردی است، در عرصه اجتماعی هنوز شکل کامل نظام‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مد نظر اسلام مبتنی بر فقه شیعه استخراج نشده است.

یکی از این نظام‌های مهم، نظام حقوق زن در خانواده و جامعه مطلوب اسلامی است. حقوق زنان، امروزه با توجه به مقتضیات زمان و مکان با مسائلی مواجه گردیده که شناسایی و پاسخ به آن از راه اجتهاد در منابع غنی اسلام ضروری است. در این راستا لازم است نقش زن به عنوان مادر و همسر در خانواده اسلامی مشخص شود.

زن در خانواده اسلامی به عنوان مادر و همسر نقش محوری دارد. فعالیت‌های اجتماعی عمدتاً بر دوش مرد است و در مقابل، مرد در خانواده به همسر خویش اتکا می‌کند. این ساختار اقتضائات حقوقی و اخلاقی خاص خود را دارد. زن، مادر است و وظیفه تربیت فرزندان را بر دوش می‌کشد و از طرفی همسر است و وظیفه همسرداری را ایفا می‌کند. مجموعه این وظایف که بخشی از آن به صورت تکالیف حقوقی زن و بخشی در نظام اخلاقی اسلام از زن مطالبه شده، نیازمند شرایطی است که یکی از این شرایط، امنیت اقتصادی یا تأمین نیازهای اقتصادی است. این نیاز در مجموعه نظام حقوقی و اخلاقی اسلام تأمین شده است تا زن بتواند در عالی‌ترین منصب اجتماعی خویش، یعنی نقش خانه‌داری ایفای نقش کند.

بدیهی است تدوین الگوی تأمین اقتصادی زن مسلمان برای تحقق الگوی خانواده مطلوب اسلامی نقش اساسی دارد. این الگو هنوز به طور کامل و مبتنی بر ادله فقهی طراحی نشده است. فقه شیعه مباحث مختلفی به صورت پراکنده و نامنسجم در خصوص نفقه، اجرت‌المثل، مهریه و مانند آن مطرح نموده که همگی در حوزه تأمین اقتصادی زن مسلمان تفسیر می‌شود؛ اما جایگاه، روابط و مسیر تحقق این احکام در قالب نظامی منسجم تبیین نشده است. همچنین در صورت عدم کفایت این احکام، ابزار دیگری نیز به ظاهر در متون فقهی معرفی نگردیده است؛ به عبارت دیگر، هنوز جایابی و حدود هر یک از این احکام در مدل کلان و منسجم احصا نشده است. شاید فقدان این خلأ علمی است که سبب شده در عمل، جامعه به راحتی با اثرپذیری از اقتضائات

فرهنگ شهرنشینی و تمدن غربی، از سبک زندگی اسلامی فاصله بگیرد؛ به طوری که اکنون یکی از چالش‌های خانواده و جامعه ایرانی، افزایش آمار تقاضای زنان خانه‌دار برای اشتغال در بیرون از منزل و در مواردی، صرفاً برای تأمین اقتصادی خویش و پر کردن خلأ عدم تأثیر در جامعه است که تبعات منفی گسترده‌ای در بعد اجتماعی و تربیت فرزندان در خانواده به دنبال دارد.

در این پژوهش تلاش شده تا با توجه به جایگاه مطلوب زن در نظام اجتماعی اسلام و با نگاه نظام‌مند به ابزارهای فقهی، مختصات الگوی تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار در اسلام ترسیم شود. مجموعه متنوعی از ابزارهای فقهی نظیر نفقه، اجرت‌المثل و مهریه با کارکرد تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان با توجه به اهداف و الگوی مطلوب اسلام برای زنان در اجتماع، نظام تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار را با استفاده از این ابزارهای فقهی طراحی کرد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش جمع‌آوری مطالعه اسنادی به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. آیا اساساً سازه‌های نفقه، اجرت‌المثل و مهریه در فقه شیعه برای امنیت اقتصادی زن خانه‌دار لحاظ شده است؟
۲. آیا سازه‌های فقهی فوق در تعامل نظام‌مند با یکدیگرند؟
۳. جایگاه، حدود و دامنه حمایت مالی از زوجه در هر یک از این سازه‌ها به چه ترتیبی است؟

ادبیات موضوع

زن خانه‌دار

بنا بر تعریف مرکز آمار ایران، زن خانه‌دار شخصی است که از نظر اقتصادی فعال نیست و در خانه به انجام امور منزل اشتغال دارد؛ بنابراین، خانه‌دار فردی است که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل به شمار نمی‌آید (دفتر آمارهای اجتماعی اقتصادی خانوار مرکز آمار ایران، تاریخ ارائه: ۷۹/۸/۱). خانه‌دار می‌تواند شامل زنان بازنشسته یا زنان ازکارافتاده که پیش‌تر شاغل بوده‌اند و زنان مستمری‌بگیر نیز باشد (قره‌باغی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۰). اما در این پژوهش مقصود از زنان خانه‌دار، زنان متأهل (به عقد نکاح دائم) غیر شاغل است که همسرشان سرپرست آن‌هاست و امور منزل عرفاً تمام وقت آن‌ها را می‌گیرد؛ اگرچه ممکن است چند روز وسعت وقت داشته باشند.

امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به معنای شرایطی است که در آن مخاطره در برآورده سازی نیازهای اقتصادی فرد به کمترین حد برسد. تأمین اقتصادی در رأس ضروریات بشر است؛ تا حدی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «پروردگارا! بین ملت ما و نان (به معنای اقتصاد) فاصله نینداز؛ چراکه اگر اقتصاد نبود، نماز و روزه نمی خواندیم و سایر فرائض را نیز به جا نمی آوردیم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۷۸).

نظام سازی

واژه نظام از ریشه نظم به معنای نظم دادن، آراستن، به رشته کشیدن مروارید، روّیه، عادت و روش آمده است. نظام در تئوری عمومی به مجموعه ای از اجزای به هم وابسته گفته می شود که در راه نیل به هدف هایی معین، هماهنگ هستند (میرمعزی، ۱۳۷۹، ص ۸۸). طبق نظر شهید صدر، فقه مجموعه ای از احکام اسلامی منسجم است، نه مفردات پراکنده و بی ربط. هر مجموعه از احکام در هر زمینه ای سمت و سوی واحد داشته، کاشف از نظریه ای زیربنایی است که به نوعی با احکام فقهی در آن زمینه، رابطه علی و معلولی دارد (صدر، ۱۴۰۳، ص ۱۳۰). با توجه به این مباحث می توان فرایند استخراج نظام های اجتماعی را در فقه به صورت زیر ترسیم کرد:



پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات بسیاری حول مباحث فقهی نفقه، اجرت المثل و مهریه صورت گرفته است؛ با وجود این، تقریباً تمام تحقیقات صورت گرفته با نگاه جزءنگر و بدون توجه به منظومه بودن مجموع این ابواب انجام شده است. برای نمونه، ذاکر شوشتری (۱۳۷۰) به صورت مبسوط درباره ابعاد متفاوت نفقه زوجه بحث کرده است. امامی نمینی (۱۳۸۶) به بررسی ماهیت مهریه از دیدگاه فقه اسلام و حقوق ایران پرداخته و سپس علل تعیین مهریه های هنگفت و معایب آن را تبیین نموده است. شرف پور (۱۳۸۸) مباحث مختلف را در خصوص حقوق مالی زوجه (مهریه، نفقه، ارث

زوجه و اجرت المثل) به اجمال بررسی کرده است. فضائی (۱۳۹۰) ابتدا به تحلیل شرایط استحقاق اجرت المثل زوجه پرداخته و سپس با دقت نظر قابل توجهی به نقد این شرایط پرداخته است. با وجود این، فضائی با نگاه سیستمی وارد نشده و جایگاه اجرت المثل زوجه را در نظام اسلامی تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار بررسی نکرده است.

اهمیت خانه‌داری و خانواده‌داری

در مکتب اسلام زن به عنوان محور و ستون اصلی خانواده، نقشی اساسی دارد که البته تحقق کامل آن منوط به فراهم شدن الزامات و شرایطی مشخص، از جمله در حوزه اقتصاد است. زن در سبک زندگی اسلامی، دو وظیفه مهم مادری و همسردهاری را بر عهده دارد که ایفای مطلوب آن در نقش خانه‌داری متبلور می‌شود. در برخی از روایات به طور مشخص نقش زن به عنوان رئیس خانه و خانواده‌دار مورد تأکید قرار گرفته است: «زن رئیس خانه و مسئول خانواده است» (قمی، ۱۴۱۳، ص ۳۸۰). در روایات دیگر، نقش مطلوب زن در همسردهاری به مثابه جهاد در راه خدا دانسته شده است: «خداوند جهاد را بر زنان و مردان واجب کرده است؛ جهاد زن، خوب شوهرداری است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۳). این نقش در الگوی مطلوب خانواده اسلامی، یعنی زندگی مشترک حضرت زهرا (علیها السلام) و امیرمؤمنان علی (علیه السلام) کاملاً واضح ترسیم شده است؛ چنان که امام باقر (علیه السلام) فرمود: «فاطمه (علیها السلام) در قبال علی (علیه السلام) کار در خانه، پختن نان و جارو کردن خانه را به عهده گرفت و علی (علیه السلام) در قبال فاطمه (علیه السلام) کار خارج از خانه را به عهده گرفت». حضرت فاطمه (علیه السلام) می‌فرماید: «جز خدا کسی نمی‌داند که من چه اندازه خوشحال شدم از اینکه کارهای درون خانه به من واگذار شد و از کارهای بیرون خانه و معاشرت و تماس با مردان معاف شدم» (علامه مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۴۳، ص ۳۱). همچنین در بسیاری از روایات، نقش زن در فرزندداری مورد توجه ویژه قرار گرفته و عمل مادران در بارداری و سپس شیر دادن به مثابه جهاد در راه خدا دانسته شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «اجر دوران بارداری تا وضع حمل و سپس شیر دادن برای زنان با مرزبانی در راه خدا برابری می‌کند و اگر زن در این دوران فوت کند، جایگاهی چون شهید خواهد داشت» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ص ۵۶۱). در اسلام، زنان متأهل تکلیفی بر اشتغال و تأمین مالی خویش ندارند (آذربایجانی، ۱۳۸۸، ص ۳۰) و به انجام امور منزل و تربیت فرزندان تشویق شده‌اند؛ از این رو، لازم است نظام تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار با لحاظ این مهم (اولویت امور منزل در مقایسه با اشتغال در بیرون از منزل برای زنان

متأهل) طراحی شود. در مقابل، عدم توجه به این موضوع سبب می‌شود زنان برای تأمین اقتصادی به فعالیت خارج از چارچوب خانواده سوق یابند که به آفت‌های اجتماعی، آسیب به کانون خانواده و تغییر سبک زندگی اسلامی در جامعه خواهد انجامید.

بررسی ابزارهای فقهی تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار

در فقه شیعه سه مبحث مجزا ولی مرتبط نفقه، اجرت‌المثل و مهریه در خصوص تعهدات مالی مرد در برابر همسر خویش وجود دارد که می‌تواند به عنوان ابزارهای تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار مورد بررسی قرار گیرد تا امکان و میزان استفاده از آن در نظام امنیت اقتصادی زنان خانه‌دار مشخص شود. به این منظور با توجه به دیدگاه‌های فقها و تحلیل آن‌ها، محدوده مصادیق، نوع، میزان تعهد مالی و ملاک این ابزارها باید معین گردد.

بررسی نفقه به عنوان ابزار تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار

برای تعریف نفقه زوجه، حقیقت شرعیه وجود ندارد؛ بلکه شرع محدوده آن را به عرف واگذار کرده است (مغنیه، ۱۴۲۱، ص ۳۱۳). نفقه زن در صورت وجود شرایطی بر مرد واجب است و در اصل وجوب نفقه، بین فقهای اسلام اختلافی دیده نمی‌شود (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۰۱). آنچه مورد اختلاف است، مصادیق نفقه و ملاک نوع و میزان آن است. دیدگاه‌های فقها در خصوص ملاک نوع و میزان، و نیز مصادیق نفقه متفاوت است؛ اما می‌توان این دیدگاه‌ها را در چند دسته طبقه‌بندی و نظر اکثر فقها را استخراج کرد.

مصادیق نفقه

برخی فقها مصادیق نفقه را منحصر به طعام، خادم، وسایل نظافت زن، لباس، وسایل طبخ و شرب، فراش (زیرانداز و ملحفه) و مسکن می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۳). این گروه از فقها به ظاهر بعضی روایات و صریح برخی دیگر در باب نفقه زوجه استناد کرده، با عمل طبق حجیت ظواهر و نصوص، به محدود بودن موارد نفقه فتوا داده‌اند. آن‌ها معتقدند این مدعا که روایات، منصرف به موارد عرفی در آن زمان است، بدون دلیل است و متبادر از روایات، همین موارد محدود است؛ بنابراین، اوامر ظاهر در وجوب را در سایر آیات و روایات، مانند «عاشروهنّ بالمعروف» (نساء،

۱۹) یا «لِئِنْفِقْ دُونَ سَعَتِهِ» (طلاق، ۷) باید بر استحباب حمل کرد (اراکي، ۱۴۱۳، ص ۲۸۴). اما اکثر فقهای امامیه (اعم از متقدمان و متأخران) معتقدند نفقه زوجه شامل تمامی نیازهای متعارف زن در آن سرزمین است و در واقع هیچ محدودیتی در مصادیق نفقه زوجه قایل نشده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۴۶۹). وسعت در حدود نفقه تا حدی است که برخی از این فقها، هزینه تمامی داروهای مورد نیاز و انواع معالجات زوجه را بر عهده زوج می‌دانند و برخی نظیر صاحب‌جوهر (۱۴۰۴، ص ۳۳۷) و امام خمینی (۱۳۹۰، ص ۳۱۶) اظهار می‌دارند هزینه دارو و معالجات متعارفی که احتیاج به آن‌ها به دلیل بیماری‌هایی که اکثر مردم به آن مبتلا می‌شوند فراوان است، بر عهده زوج است؛ اما هزینه داروهایی که در معالجات سخت استفاده می‌شود و احتیاج به آن‌ها اتفاقی است، بر عهده زوج نیست.

فقهای معتقد به عدم حصر موارد نفقه، برای اثبات مدعای خود دلایلی را برمی‌شمارند: استناد به عرف و عادت که در آیاتی همچون «عاشروهنَّ بالمعروف» و «امساک بالمعروف» آمده است (محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ص ۳۰۰).

۱. آیات و روایاتی که در باب نفقه ذکر شده، در مقام حصر مصادیق نفقه نیست و در روایات مختلف، مصادیق متفاوت نفقه ذکر شده است و مثلاً در یک روایت، طعام و لباس آمده و در روایت دیگر وسایل تنظیف نیز اضافه شده است (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷، ص ۶۲۳). محدود کردن نیازهای زن، صحیح و منطقی نیست؛ چراکه نیازها بر حسب پیشرفت جوامع، تغییر می‌کند و نیازهایی به وجود می‌آید که قبلاً نبوده است. بنابراین، مصادیقی که در روایات ذکر شده، از باب غلبه است.

۲. صاحب‌جوهر درباره عدم انحصار مصادیق نفقه، به گونه‌ای متفاوت از دیگر فقها استدلال می‌کند: «اگر معیار در محدوده مصادیق نفقه، خصوص طعام، لباس و مسکن است، دلیلی برای به حساب آوردن مواردی از جمله خادم و زیرانداز در نفقه زوجه وجود ندارد؛ اما اگر معیار معاشرت به معروف باشد، حصری برای موارد نفقه وجود ندارد و تمام نیازهای زن با مراعات عادت او و شرایط زمان و مکان، داخل در موارد نفقه خواهد بود. بنابراین، بهتر است معیار را در محدوده مصادیق نفقه، عادت زنان امثال زوجه در سرزمین محل سکونتش بدانیم.» (صاحب‌جوهر، ۱۴۰۴، ص ۳۳۷).

با نظر به دلایل موجود، چنین به نظر می‌رسد که برآوردن تمام نیازهای عرفی زن بر عهده شوهر

است و مصادیق آن در زمان‌ها و مکان‌ها، گوناگون خواهد بود و آنچه فقها مطرح کرده‌اند نیز برای بیان موارد رایج و عرفی در عصر خودشان بوده است.

از طرفی، در صورتی که نیازهای عرفی زن از طرف زوج تأمین نشود، زن مجبور به تأمین آن از راه تلاش خویش است و این مطلب، مستلزم منافات با برخی وظایف واجب زن (همچون تمکین و خروج از منزل با اذن زوج) و برخی از نقش‌های خطیر او، همچون اداره امور منزل، تربیت و نگهداری فرزندان و ... می‌شود که بسیار بر آن‌ها توصیه شده است؛ زیرا در سبک زندگی اسلامی، بر حضور مفید و مؤثر زن در خانواده برای رسیدگی به همسر و فرزندان تأکید شده است و در صورتی که زن دغدغه تأمین برخی نیازهایش را داشته باشد، نقش کمرنگی در مقام مادر و همسر در خانه ایفا خواهد کرد.

ملاک نوع و میزان نفقه

در کتب فقه‌های امامیه در خصوص نوع و مقدار نفقه، ضوابط متعددی ذکر شده است. صاحب جوهر (۱۴۰۴، ص ۳۳۱) و امام خمینی (۱۳۹۰، ص ۳۱۵) از جمله فقهایی هستند که ضابطه را در مقدار طعام، مقدار کفایت (سیر شدن) می‌دانند و شهید اول نیز آن را «اظهر» دانسته است (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۴۵).

در برخی کتب همچون کتاب النکاح شیخ انصاری (۱۴۱۵، ص ۴۸۳) نوع طعام محول به عرف شده است؛ یعنی قوت غالب اهل سرزمین محل سکونت زوجه ملاک نوع طعام است؛ اما در کتاب مسالک (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۵۶) معیار جنس غذا، عادت امثال زوجه در سرزمین محل سکونتش در نظر گرفته شده است. صاحب جوهر (۱۴۰۴، ص ۳۳۳) معتقد است ظاهراً اجماع فقها بر عادت امثال زوجه در سرزمین محل سکونت اوست.

درباره دیگر مصادیق نفقه از نظر مقدار و جنس، آنچه اکثر فقه‌های امامیه نقل کرده‌اند، ضابطه «عادت زنان امثال زوجه در آن سرزمین» است (مغنیه، ۱۴۲۱، ص ۳۹۲).

می‌توان گفت اکثر فقه‌های امامیه، ضابطه را در مقدار طعام، رفع گرسنگی؛ در نوع غذا، قوت غالب سرزمین محل سکونت زوجه یا عادت امثال او در سرزمین محل سکونتش؛ و در دیگر موارد نفقه - به جز خادم که یکی کافی است - عادت امثال زوجه در سرزمین محل سکونتش می‌دانند. با توجه به اینکه در آیات و روایات میزان و نوع نفقه مشخص نشده و مطلق گذاشته شده است، باید به عرف و عادت رجوع کرد. همان‌طور که مشهور فقه‌های امامیه معتقدند، ملاک در

میزان و نوع نفقه، عادت زنان امثال زوجه در سرزمین محل سکونتش است. از طرفی، آیاتی چون «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و «فَإِمْسَاكِ بِمَعْرِوفٍ أَوْ تَسْرِيعٍ يَّحْسَانٍ» (بقره، ۲۲۹) نیز مؤید عرفی بودن نفقه است.

در برخی از آیات مانند «وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُئْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (طلاق، ۷) و «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶) توانایی زوج نیز در پرداخت نفقه مد نظر قرار گرفته شده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این مهم تأیید می‌شود: «از اموال شوهرت آنچه را به طور متعارف برای تو و فرزندت کفایت می‌کند بردار». صاحب‌جواهر معتقد است معیار در میزان نفقه، عادت زنان امثال زوجه در سرزمین محل سکونت اوست؛ اما در صورتی که زوج نتواند آن را بپردازد، تا حدی را که توانایی دارد، ادا می‌کند و مابقی به صورت دین به عهده او باقی می‌ماند. سپس افزوده که به همین دلیل در ادامه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَّا آتَاهَا» در آیه هفتم سوره طلاق، عبارت «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» ذکر شده است (صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴، ص ۳۳۳). سایر فقها نیز مشابه همین نظر را ابراز کرده‌اند؛ یعنی معتقدند تأمین نفقه زن بر اساس حال زوجه بر زوج واجب است؛ اما در صورتی که این مقدار را تهیه نکند، چه توانایی داشته باشد یا معسر باشد، مدیون زن است (علامه حلی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷). بنا بر این ادله، می‌توان دریافت که در نظام اسلامی، میزان و نوع نفقه زوجه بر اساس حال زوج و زوجه معین می‌شود؛ به عبارتی، در نظام اسلامی، رابطه میان زن و شوهر بر اساس معاشرت به معروف است، نه اینکه نیازهای هر عضو به طور جداگانه تأمین شود، بدون آنکه شرایط طرف مقابل در این مسئله لحاظ گردد.

نقش نفقه در نظام تأمین اقتصادی زن خانه‌دار

در بخش قبل، ابعاد و حدود تأمین اقتصادی از مسیر نفقه بررسی و مشخص شد: ۱. نفقه به زوجه دائم و به شرط تمکین تعلق می‌گیرد؛ ۲. مصادیق و میزان نفقه متغیر است و ملاک آن برای زوجه، عادت زنان امثال زوجه در محل سکونت اوست و میزان احتیاج هر زن به طور جداگانه ملاک نیست. با توجه به یافته‌های فوق، در خصوص رابطه نفقه و نظام تأمین اقتصادی زن خانه‌دار می‌توان گفت: اولاً، نفقه یک ابزار تأمین اقتصادی ویژه زنان خانه‌دار نیست؛ چراکه اساساً به تمامی زنان متأهل تعلق می‌گیرد. همچنین زن چه فقیر باشد یا غنی، باز هم مستحق نفقه است. ثانیاً، حدود پوشش اقتصادی نفقه، کاملاً به عرف محل سکونت زن بستگی دارد و مثلاً نمی‌توان گفت نفقه

نیمی از نیازهای اقتصادی زنان متأهل را تأمین می‌کند؛ چراکه حدود پوشش این نیاز به عرف محل زندگی زن متأهل وابسته است.

بررسی مهریه به عنوان ابزار تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار

ماهیت مهریه

برای آنکه بتوان دریافت «آیا در نظام اسلامی می‌توان مهریه را به عنوان راهکار تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار به شمار آورد یا خیر؟» ابتدا باید به بررسی ماهیت مهریه در اسلام پرداخت تا به روشنی بدانیم مهریه با چه هدفی تشریع شده است.

برخی فقها عقد نکاح دائم را عقدی معاوضی می‌دانند که در آن، مهریه، عوض بضع تلقی می‌شود؛ اما عده‌ای دیگر از آنان، نکاح را عقدی غیر معاوضی معرفی می‌کنند و مهر را هدیه‌ای الزامی از جانب زوج به زوجه می‌انگارند (بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۴۵۵). دیدگاه اول، جنبه معاوضه و معامله و در واقع ماهیت اقتصادی به نکاح می‌دهد؛ در حالی که دیدگاه دوم، برای اثبات محبت مرد به زن است و روح ارزشی به نکاح می‌بخشد.

الف. ماهیت معاوضی مهر

علامه حلی (۱۳۷۶، ص ۱۴۱) و صاحب‌جوهر (۱۴۰۴، ص ۲) از جمله فقهایی هستند که مهر را در مقابل بضع دانسته، برخی آثار معاملات، از جمله حق حبس را در نکاح دائم جاری دانسته‌اند. این دسته از فقها اظهار می‌دارند که وطی و مهر به منزله عوضین هستند و برای صاحب هر کدام حق امتناع وجود دارد تا به قبض دیگری دهد. از طرفی، تعیین مقدار مهر همچون دیگر معاوضات تابع اختیار متعاضضین است. در نظر صاحب‌جوهر می‌توان حتی نکاح و بیع را با هم در یک عقد جمع و برای آن‌ها یک عوض تعیین کرد. مثلاً زن بگوید: خودم را به عقد ازدواج تو درآوردم و خانه‌ام را به تو فروختم جمعاً به صد سکه بهار آزادی. همچنین تعبیری که در برخی آیات و روایات به کار رفته است، احتمال معوض بودن عقد نکاح را به ذهن نزدیک می‌کند. به کار بردن عبارت اجر در برخی آیات درباره نکاح دائم، موهم این معناست که مهر نقش یکی از دو عوض را دارد؛ آیات ۲۵ نساء و ۵۰ احزاب از این جمله‌اند. در برخی روایات نیز تعبیر ثمن برای مهر به کار رفته است: از اباجعفر علیه السلام پرسیدم: آیا جایز است مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد، به او نگاه کند؟ حضرت فرمود: «آری؛

چراکه می‌خواهد وی را به ثمن گران بخرد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۸۸).

ظاهراً مقصود این دسته از فقها، معاوضه حقیقی بین مهر و بضع نیست؛ بلکه نکاح را عقد شبه معاوضی از بعضی جهات می‌دانسته‌اند و گروهی از این فقها صریحاً به شبه معاوضی بودن نکاح اشاره کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۶۹). دلایل و قرائین بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد عقد نکاح، عقد معاوضی نیست که از آن جمله عبارت‌اند:

۱. شباهت نکاح با دیگر معاوضات در وجود حق حبس، دلیل نمی‌شود که مهر در نکاح عوض تمکین زن باشد. منظور از حق حبس در نکاح آن است که اثر قهری پیمان نکاح این است که مرد مکلف به پرداخت مهر است (علیمرادی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

«اجر» در آیات ذکرشده، لزوماً به معنای عوض نیست. با توجه به تعاریف لغت‌شناسان، اجر به معنای ثواب و پاداشی است که در مقابل عمل نیک به انسان می‌رسد؛ خواه ثواب دنیوی باشد یا اخروی؛ مانند «*ءَاتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا*» (عنکبوت، ۲۷). همچنین درباره کاربرد واژه «ثمن» به جای مهر در روایات باید گفت که کثرت کاربرد برخی واژگان در یک حوزه و اراده مصادیق خاص از آن - مثل به کار بردن واژه ثمن در معنای عوض - مانع کاربرد آن واژه در دیگر مصادیق نیست.

۲. اگر مهر، عوض بضع بود، نباید قبل از دخول، مهر به عهده مرد قرار می‌گرفت. این در حالی است که زوجه به محض عقد، مالک مهر می‌شود. همچنین اگر مهر، عوض بود، با طلاق قبل از نزدیکی، نباید نصف مهرالمسمی به زن می‌رسید (امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰).

۳. عقد نکاح با وجود عدم ذکر مهر یا شرط عدم مهر در زمان حال یا به صورت مطلق - بدون ذکر زمان - صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مقدار مهر را به تراضی معین کنند؛ زیرا مهر از ارکان عقد نکاح نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۲۰۲).

ب. مهریه به عنوان هدیه‌ای الزامی

مشهور فقها از جمله صاحب جامع/المدارک (خوانساری، ۱۴۰۵، ص ۴۲۴) معتقدند مهر، ماهیت معاوضی ندارد؛ بلکه هدیه‌ای است از طرف زوج به زوجه. تعبیر قرآن کریم از مهریه، «صداق» به معنای صداقت زوج در ابراز علاقه‌مندی به زوجه است. همچنین اکثر قریب به کل مفسران، تعبیر «نحله» را در قرآن، به معنای «عطیه‌ای مجانی که در مقابلش ثمنی نباشد» لحاظ کرده‌اند (طباطبایی،

۱۴۱۷، ص ۱۶۹). عدم جریان بسیاری از آثار و احکام عقود معاوضی در عقد نکاح که پیش از این گفتیم، معاوضی نبودن آن را بیشتر تقویت می‌کند؛ به اضافه اینکه مشهور فقها به این نظر معتقدند. همچنین حقیقت متعالی نکاح و هدف از انجام چنین عقدی، آن را از معاملات متمایز می‌سازد. با توجه به این ادله می‌توان گفت جنبه اقتصادی، علت حقیقی تشریع مهر نیست؛ بلکه صرفاً هدیه‌ای است از طرف زوج به زوجه، و به همین دلیل به آسان‌گیری در تعیین میزان آن سفارش شده است.

نقش مهریه در نظام تأمین اقتصادی زن خانه‌دار

بررسی و تحلیل ماهیت مهریه نشان داد که مهریه با هدف تأمین اقتصادی زنان تشریع نشده است؛ اگرچه منع شرعی برای استفاده از آن برای تأمین اقتصادی وجود ندارد. مهریه به دلیل مالیت داشتن، کارکرد تأمین اقتصادی می‌تواند داشته باشد و اتفاقاً در جامعه، نگاه اقتصادی به مهر در حال ترویج است و تعیین مقدار مهریه در ازدواج، به چالشی میان خانواده‌ها تبدیل شده است. بدیهی است زن می‌تواند از مهر برای تأمین اقتصادی خود استفاده کند؛ اما کاربرد و کارکرد ماهیتی، دو مقوله جداست. فلسفه وضع مهر، جنبه ارزشی آن است و بنابراین، با مادی تلقی کردن کارکرد مهر، در واقع آن هدفی که مهر برای آن وضع شده، از بین می‌رود.

مهریه در نظام اسلامی، نشان‌دهنده مهر و ابزاری برای ابراز محبت مرد به زن است و زیاد بودن آن در اسلام پسندیده نیست و موجب آسیب‌هایی برای جامعه و خانواده می‌شود؛ از جمله کاهش آمار ازدواج، ایجاد خصومت و بداخلاقی، تحت‌الشعاع قرار گرفتن ارزش‌های دینی، افزایش سن ازدواج و به تبع آن افزایش انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، تضییع شخصیت دختران با چانه‌زنی بر سر مهریه، اذیت و آزار زنان تا حد راضی شدن به بخشش مهریه، و عدم توجه دختران به دیگر ملاک‌های ازدواج که پیامدهایی چون عدم تطابق فکری و فرهنگی با همسر و در نتیجه، افزایش ازدواج‌های ناموفق را به دنبال دارد (قلی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶).

بررسی اجرت‌المثل به عنوان ابزار تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار

مبنای فقهی اجرت‌المثل کار زن در منزل

درباره اجرت‌المثل کار زن در منزل بحث مستقلی در فقه وجود ندارد؛ اما عقل حکم می‌کند که به کار زن در خانه نیز در صورت وجود شرایط تعلق اجرت برای اجیر، اجرت پرداخت شود؛ به همین دلیل،

بحث اجرت المثل کار زن را در خانه، می‌توان ذیل مبحث کلی «اجاره» بررسی کرد. بنابراین، ابتدا به مبانی فقهی پرداخت اجرت المثل می‌پردازیم و سپس شرایط فقهی و حقوقی استحقاق و مطالبه اجرت المثل کارهای خانه را تبیین می‌کنیم. مهم‌ترین مبانی فقهی پرداخت اجرت المثل عبارت‌اند از:

۱. قاعده احترام مال و عمل مسلمان

مقصود از این قاعده، مصونیت مال مسلمان از تصرف مجانی در آن و تعدی به آن است. همچنین عملی عامل مسلمان، محترم و مأجور است و باید اجرتش پرداخت شود. این قاعده مستند به روایاتی، از جمله این روایت نبوی است: «حرمت مال مسلمان همچون حرمت خون اوست». کار انسان آزاده، مال شمرده می‌شود و کار نیز منفعتی قابل مبادله با پول است (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۴).

۲. شرط ضمن عقد

راه دیگر برای تعلق اجرت به کار یک شخص، شرط ضمن عقد است. طبق نظر همه فقها، شخص ملزم به انجام تعهداتی است که ضمن عقد می‌آید. در پذیرش شرط صریح و آثار مترتب بر آن، هیچ اختلافی وجود ندارد؛ در نتیجه، اگر زوجه ضمن عقد نکاح شرط کند که در صورت انجام کارهای خانه، مستحق اجرت المثل باشد و در صورت عدم پرداخت اجرت المثل، زوجه وکیل و وکیل در توکیل برای طلاق باشد، در این حال پرداخت اجرت المثل بر شوهر واجب می‌شود و این در حقیقت نوعی شرط فعل است که همیشه با التزام و تعهد همراه است (طاهری، ۱۴۱۸، ص ۹۵). شرط ضمنی به «شرط ضمنی بنایی» و «شرط ضمنی عرفی» تقسیم می‌شود. بنا به نظر مشهور فقها، شرط برای الزام آور بودن، باید در متن عقد ذکر شود و به همین دلیل، شرط بنایی گرچه پیش از عقد ذکر می‌شود، چون در متن عقد به آن اشاره نمی‌گردد، الزام‌آور نیست و احکام شرط درباره آن جاری نمی‌شود (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ص ۳۶۷). در مقابل نظریه مشهور، جمعی از فقیهان بزرگ، شرط ضمنی بنایی را مشروع و لازم‌الوفا می‌دانند. به نظر این گروه، توافق درباره شرط پیش از عقد، چه در قالب کلمات رسمی به صورت تعهد و التزام و چه به صورت گفت‌وگو، چنانچه در تراضی ملحوظ گردد، در حکم ذکر در متن عقد است. بعضی تصریح کرده‌اند حتی اگر بدون هر گونه مذاکره، اراده دو طرف بر لحاظ شرطی باشد، به نحوی که هر کدام ما فی ضمیر دیگری را بدانند نیز در حکم ذکر در متن عقد است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ص ۱۱۸).

شرط ضمنی عرفی نیز مدلول التزامی قرارداد است و در نتیجه، به دنبال انشای قرارداد، شرط ضمنی عرفی نیز انشا می‌گردد. وجود عرف دلالت دارد که شرایط، مرتکز طرفین بوده و عدم تصریح به شروط، به علت اعتماد بر ارتکاز بوده است (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۳، ص ۶۸).

با توجه به دو مبنایی که تبیین شد، می‌توان دریافت که این مبانی به دلیل نداشتن قید و شرط خاصی در خصوص پرداخت اجرت المثل، می‌تواند بر کار هر انسانی صدق کند. براساس این مبانی، اجرت المثل می‌تواند اشتغالات زن را در خانه نیز پوشش دهد؛ بلکه می‌توان این خدمات را از مصادیق اتمّ قاعده احترام به عمل دانست؛ زیرا با تمام وجود و محبت و دلسوزی در بالاترین حد انجام می‌شود.

تنها در خصوص شرط ضمنی، بحثی مطرح می‌شود و آن اینکه: آیا خدمت کردن زن در خانه، شرط ضمنی عقد نکاح است یا خیر؟ به عبارتی، آیا کار زن در خانه، قید عرفی عقد نکاح است یا اینکه عرف، این خدمات را وظیفه زن نمی‌داند؟

آیت الله خویی به این سؤال این گونه پاسخ داده است: در میان مردم متعارف است که زوجه بدون الزام و التزام، بلکه از روی رغبت خدمت در منزل را انجام می‌دهد؛ بنابراین، نمی‌توان آن را از شروط ضمنی پنداشت که عقد مبتنی بر آن واقع شده باشد (موسوی خویی، ۱۴۱۶، ص ۳۰۱).

با توجه به اینکه لزوم خدمت زن به مرد، شرط ضمنی عرفی عقد نکاح نیست، زن پس از عقد نکاح مجبور به انجام کارهای خانه نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند به امر زوج کار کند و اجرت المثل دریافت نماید.

۳. مبانی فقهی اجرت المثل شیردهی

گرچه مبانی‌ای که برای اجرت المثل ذکر شد، درباره شیردهی نیز جاری است، باید توجه داشت که اجر شیردهی، تأسیسی است و مستقیماً از طرف شارع بنا گذاشته شده است. اکثر فقها با استناد به آیه «اگر فرزند شما را شیر می‌دهند، مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید و اگر به توافق نرسیدید، از زنی دیگر بخواهید کودک را شیر دهد» (طلاق، ۶) و روایاتی نظیر این سخن امام صادق (ع) که فرمود: «زن آزاد نباید به شیردهی به فرزندش مجبور شود» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۰۷) استدلال کرده‌اند که شیر دادن فرزند بر مادر، واجب و تکلیف نیست؛ بلکه حق مادر است و می‌تواند برای این کار تا دو سال از شوهر، اجرت طلب کند.

نقش اجرت المثل در نظام تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار

اجرت المثل یکی دیگر از ابواب فقهی مرتبط با موضوع تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار است. نتایج نشان می‌دهد:

۱. بر خلاف نفقه، اجرت المثل یک ابزار تأمین اقتصادی خاص فعالیت خانه‌داری است؛ یعنی در شرایطی که نفقه به همه زنان متأهل تعلق می‌گیرد، اجرت المثل صرفاً به خدمات خانه‌داری زن اختصاص دارد. اجرت المثل، مایزای اقتصادی خدمات خانه‌داری است که جزء وظایف او به شمار نمی‌آید. طبق شرایط استیفای اجرت المثل، کار باید به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام شود و عرفاً دارای اجرت به شمار آید.
 ۲. حدود پوشش تأمین نیازهای اقتصادی در اجرت المثل، متغیر و متناسب با ارزش خدمات خانه‌داری زن است؛ بنابراین، بر خلاف نفقه، حد مشخصی ندارد و هر قدر فعالیت بیشتر باشد، مایزای آن بیشتر است. خدمات خانه‌داری حدود مشخصی ندارد؛ بلکه می‌تواند متناسب با استعداد و توان زن افزایش یابد.
- توجه به احکام و ضوابط اسلامی در باب اجرت المثل، الزامات ناشی از آن را در نظام تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار مشخص می‌کند که می‌توان آن‌ها را در موارد ذیل احصا کرد:

۱. لزوم محاسبه ارزش اقتصادی برای فعالیت خانه‌داری

اجرت المثل مشخص می‌کند که از نظر اسلام خدمات خانه‌داری زن، یک فعالیت اقتصادی مفید و دارای ارزش اقتصادی است؛ یعنی بر خلاف باور عمومی و حتی مسئولان دولتی که خانه‌داری را فعالیتی عاری از ارزش اقتصادی می‌پندارند، از نظر اسلام خانه‌داری فعالیتی دارای ارزش اقتصادی است. بدیهی است قبول این گزاره، تبعات گسترده‌ای را در مناسبات اجتماعی به دنبال دارد. برای مثال، حتماً لازم است ارزش فعالیت خانه‌داری زنان در جوامع اسلامی، در مجموع ارزش تولید ناخالص داخلی کشور محاسبه شود؛ نقصانی که هنوز شاهد استمرار آن در کشور هستیم و رفع آن به بهبود شاخص‌های اقتصادی کشور خواهد انجامید.

۲. لزوم محاسبه خانه‌داری به عنوان یک شغل و ارائه خدمات حمایتی نظیر بیمه به زنان خانه‌دار

با توجه به آنچه در بخش اجرت المثل گذشت، می‌توان دریافت که نوع برخورد اسلام با خدمات

خانه‌داری به عنوان یک شغل مفید، با ارزش اقتصادی، حیاتی و مورد نیاز جامعه است. پذیرش این گزاره، تبعات وسیع و مثبتی به دنبال دارد و باید همان خدماتی که اکنون به دیگر مشاغل کشور ارائه می‌شود - از جمله بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی، بسته‌های حمایتی کالایی و تسهیلات دیگر - به زنان خانه‌دار نیز تعلق گیرد. همچنین همان طور که افراد برای تصدی شغل، آموزش‌های اولیه و ضمن خدمت می‌بینند، باید برای خانه‌داری که مهم‌ترین شغل و مؤثرترین خدمت در جامعه است، آموزش‌های اولیه و حرفه‌ای برای انجام هر چه بهتر فعالیت‌ها از سوی دولت لحاظ شود. به همین ترتیب، باید شغل خانه‌داری به عنوان یک شغل مهم، اثرگذار و البته حساس، در نظام آموزشی کشور هدفگیری شود و رشته‌های مناسب با هدف تربیت علمی زنان خانه‌دار پدید آید.

نظام‌های امنیت اقتصادی زنان خانه‌دار

تا این قسمت از پژوهش، کارکرد سه سازه فقهی نفقه، اجرت‌المثل و مهریه به طور مجزا از یکدیگر و بدون در نظر گرفتن سهم هر یک در تعامل با دیگر سازه‌ها بررسی شد. حال باید به طور دقیق بررسی کرد که عملکرد این ابزارها در یک مجموعه نظام‌مند به چه صورتی است؛ به عبارتی، الزامات و قیودات نظام، چه تأثیری بر نحوه عملکرد هر یک از ابزارها می‌گذارد. حال براساس نقش سازه‌ها در ارتباط با یکدیگر می‌توان چند نوع نظام امنیت اقتصادی زنان خانه‌دار را شناسایی و تحلیل کرد:

۱. نظام متداول تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار در جامعه کنونی ایران

با توجه به فرهنگ سنتی ایران، زنان در ازای فعالیت خانه‌داری اجرت طلب نمی‌کنند؛ اما برای تأمین اقتصادی نیازهای شخصی و فراتر از حد نفقه، اشتغال در بیرون از منزل را برمی‌گزینند و در جمع امور درون و بیرون از منزل با چالش مواجه می‌شوند. آن‌ها گاه گرفتن مهریه بالا را راهی برای تکمیل پوشش نیازهای اقتصادی خود می‌پندارند و این گزینه را برمی‌گزینند.

۲. نظام تأمین اقتصادی صرفاً حقوقی زنان خانه‌دار

بررسی سازه‌های فقهی مرتبط با تأمین اقتصادی زنان نشان می‌دهد چنانچه تنها نفقه و اجرت‌المثل به عنوان ابزارهای اسلامی با کارکرد خاص تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار تعریف گردد و مهریه نیز به عنوان ابزار امنیت اقتصادی لحاظ نشود، آن‌گاه زن خانه‌دار مجبور است نیازهای

فرا تراز نفقه خود را از مسیر اجرت المثل تأمین کند. البته این الگو در جامعه کنونی ایران رایج نیست و به دلیل تبعات منفی فرهنگی، نتوانسته در جوامع اسلامی اجرایی شود. دریافت اجرت بابت خدمات خانه داری، روابط زن و شوهر را به روابط تجاری بدل کرده است و سبب می شود مرد نیز برای خدمات فرا تراز نفقه، مایازا طلب کند.

۳. نظام تأمین اقتصادی دولتی زنان خانه دار

یکی از مدل های پیشنهادی متصور برای تأمین اقتصادی زنان خانه دار، الزام دولت به پوشش نیازهای اقتصادی فرا تراز نفقه است. این الگو در واقع از دایره اختیارات حکومت اسلامی برای رفع نقص موجود در مدل حقوقی. فقهی محض، نوعی تأمین دولتی برای زنان خانه دار - به جای دریافت اجرت المثل از زوج - در نظر گرفته است؛ البته همان طور که در این پژوهش بررسی شد، در متون فقهی چنین الزامی برای دولت اثبات نشده است.

۴. مدل مطلوب اسلامی تأمین اقتصادی زنان خانه دار

از نظر حقوقی، زن خانه دار مستحق اجرت المثل است؛ اما واقعیت این است که ساختار حقوقی محض در موضوع تأمین مالی زن خانه دار نمی تواند الگوی مطلوب اسلامی را در جامعه محقق کند (چنانکه بسیاری از نظام های اجتماعی دیگر در جامعه اسلامی نیز صرفاً بر اساس کارکرد حقوقی نیست و از مسیر نظام های اخلاقی تکمیل می شود)؛ زیرا در خانواده عشق و عطف به فضایی برای تجارت بدل می شود. زن در ازای خانه داری، دریافت اجرت می کند و مرد نیز در ازای خدمات غیر واجب، نظیر گردش رفتن و غیره بستانکار می شود. بدیهی است ساختار خانواده ای که صرفاً بر محور محاسبات حقوقی. اقتصادی شکل بگیرد، بسیار سست و ناپایدار خواهد بود. بنابراین، قیود تحقق نظام مطلوب اسلامی، یعنی شکل گیری روابط زن و شوهر در خانواده بر پایه معاشرت به معروف، محبت، اخلاق و پرهیز از تجاری سازی خدمات متقابل آن ها، ایجاب می کند تا موضوع تأمین اقتصادی نیز در عمل به جای مسیر حقوقی، در مسیر تعهدات اخلاقی حرکت کند.

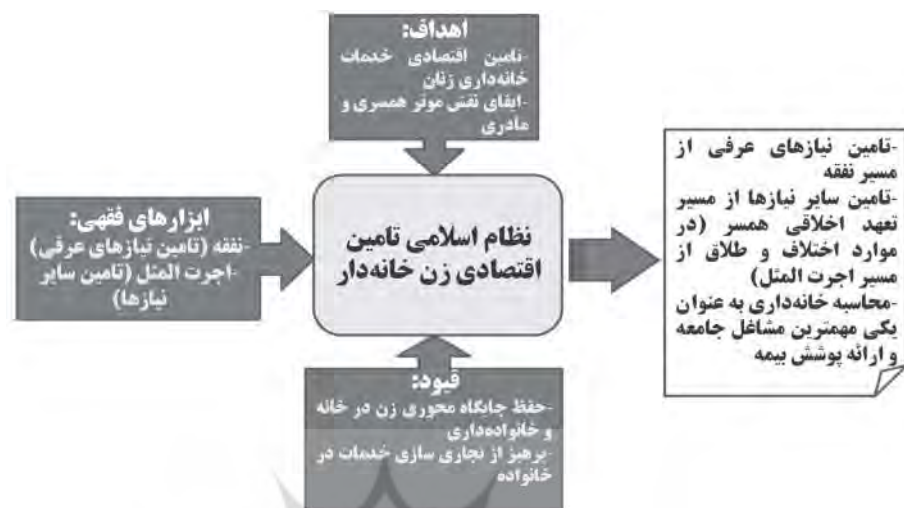
در واقع همان طور که زن برای تحکیم بنیان خانواده، پرهیز از تجاری سازی روابط اعضای خانواده و نیز معاشرت به معروف، داوطلبانه از حق قانونی و شرعی خود می گذرد، شوهر نیز باید در قبال این خدمات، از زن قدردانی مادی و معنوی به عمل آورد. در واقع در نظام مطلوب اسلامی

به دلیل اهداف، قیود و ملاحظات که تبیین شد، به جای معامله مادی، نحوه‌ای از معامله معنوی صورت می‌گیرد. زن متبرعانه و دلسوزانه، در جایگاهی که نظام اسلامی برایش تعریف کرده است، به سایر اعضای خانواده یاری می‌رساند و مرد نیز متقابلاً همین واکنش را در برابر دیگر اعضا اعمال می‌کند. این مسئله در روایات نیز بسیار تأکید شده است.

در این نظام، پرداخت نفقه واجب است؛ اما مابقی خدمات زن خانه‌دار به دلایلی که بیان شد، از مسیر اجرت‌المثل تأمین مالی نمی‌شود؛ بلکه مرد موظف است قدر دان خدمات غیر واجب زن، نظیر خانه‌داری باشد و دولت نیز ملزم به فراهم آوردن الزاماتی است که در نتیجه اجرت‌المثل ایجاد می‌شود؛ مانند بیمه، آموزش و دیگر تسهیلات. در نتیجه، مرد باید تأمین اقتصادی زن را به صورت حداکثری بر عهده گیرد. این است که در نظام سنتی جامعه، مرد امور اقتصادی منزل و مدیریت درآمد خود را در اختیار زن خانه‌دار قرار می‌دهد و بسیار فراتر از حدود واجب به تأمین اقتصادی همسر خویش می‌پردازد.

در این الگو، اجرت‌المثل از نظر اجرایی توصیه نشده است (البته اجرت‌المثل در دعاوی طلاق، به دلیل از بین رفتن بنیان خانواده کاربرد دارد)؛ اما در مقابل، تعهد اخلاقی مرد به جبران اقتصادی ایثار زن خانه‌دار، جایگزین آن شده است. در کنار آن به دلیل اینکه خانه‌داری به عنوان شغل مهم و دارای ارزش اقتصادی برای جامعه تلقی شده، دولت موظف است خدمات پشتیبانی ارائه شده به دیگر مشاغل، نظیر بیمه درمانی و بیمه بازنشستگی را برای آن در نظر بگیرد. به نظر می‌رسد به دلیل آنکه خانه‌داری و خانواده‌داری، از مشاغل حساس، پایه و به عبارتی، نیروی محرک دیگر اعضای جامعه است، خدماتی که به آن تعلق می‌گیرد، باید وسیع‌تر، جامع‌تر و حتی بیشتر باشد.

بدیهی است ضمانت اجرای تعهد اخلاقی مرد در قبال زن، اجرای حق قانونی و شرعی زن به گرفتن اجرت‌المثل است؛ به عبارت دیگر، در صورتی که مرد بر اساس تعهد اخلاقی خود، نیازهای مالی زن را برآورده نسازد، روابط زن و شوهر از حالت معاشرت به معروف خارج و به فضای تجاری بدل می‌شود که هر کدام صرفاً به دنبال حق مادی خود است؛ مرد خواستار کار زن و زن خواهان اجرت است. در نتیجه، زن برای رفع نیازهای اقتصادی شخصی و فراتر از عرف، در پی بهره‌مندی از حق شرعی و قانونی اجرت‌المثل خانه‌داری خواهد رفت و در این صورت، همان نظام فقهی - حقوقی محض پیاده می‌شود.



با الگوی متصور در نظام مطلوب اسلامی، زن خانه‌دار در کنار ایفای نقش خود به طور مؤثر، از نظر مالی و روانی احساس خلأ نمی‌کند؛ بلکه به دلیل حمایت‌های مادی و معنوی همسر و دولت، سعی در تثبیت موقعیت و جایگاه خود در مقام زن خانه‌دار در راستای تحکیم بنیان خانواده دارد.

نتیجه‌گیری

سبک زندگی اسلامی محصول استخراج و اجرای موفق نظام‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام است که یکی از مهم‌ترین این نظام‌ها، نظام تأمین اقتصادی زن در خانواده است. عدم استخراج و اهتمام به این نظام سبب شده زنان در جامعه از خانه‌داری گریزان باشند و به سمت اشتغال در بیرون سوق یابند. در این پژوهش تلاش شده تا مدلی پیشنهادی برگرفته از اسلام برای تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار استخراج شود. از این رو، ابتدا اهمیت و الزامات خانه‌داری در متون فقهی و آیات و روایات واکاوی گردید و سپس ماهیت، اهداف و ابعاد سه ابزار فقهی نفقه، اجرت‌المثل و مهریه بررسی و نقش هر یک در مدل پیشنهادی تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار تحلیل و تدوین شد:

۱. زن در خانواده مطلوب اسلامی دارای نقش اصلی و محوری در حوزه خانه‌داری، فرزندی و شوهرداری است و کمال معنوی وی از این مسیر صورت می‌گیرد؛ بنابراین، شایسته است مدل تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار با در نظر گرفتن اولویت امور منزل بر اشتغال در بیرون طراحی شود.

۲. با بررسی دیدگاه‌های فقها در خصوص مصادیق، نوع، میزان و ملاک نفقه، مشخص شد که از نظر اسلام، برآوردن تمام نیازهای عرفی زن با لحاظ وضعیت زوج و زوجه بر عهده شوهر است. با وجود این، اولاً، نفقه یک ابزار تأمین اقتصادی ویژه زنان خانه‌دار نیست و ثانیاً، حدود پوشش اقتصادی نفقه کاملاً به عرف محل سکونت زن بستگی دارد و تناسبی با میزان خدمات خانه‌داری ندارد.
۳. در بررسی ماهیت مهر مشخص شد مشهور فقها معتقدند مهر ماهیت معاوضی ندارد؛ بلکه ماهیت ارزشی و القای محبت مرد به زن دارد؛ بنابراین، مهریه با هدف تأمین اقتصادی تشریع نشده است و تعیین مهر بالا به عنوان پشتوانه اقتصادی، در نظام اسلام جایگاهی ندارد.
۴. در مبحث اجرت‌المثل، پس از بررسی مبانی فقهی می‌توان دریافت که اجرت‌المثل به دلیل نداشتن قید و شرط خاص می‌تواند بر کار هر انسانی صدق کند و اشتغالات زن را در خانه نیز پوشش دهد. با توجه به اینکه اجرت‌المثل یک ابزار تأمین اقتصادی خاص فعالیت خانه‌داری است، مقدار آن متناسب با وضعیت زن خانه‌دار و میزان اشتغالات او در خانه است. پرداخت اجرت‌المثل به زن، نشان‌دهنده تأیید مایه‌زای مادی فعالیت زن در خانه است؛ بنابراین، خدمات زن در خانه، نوعی اشتغال تلقی می‌شود و الزامات خاص خود، نظیر لزوم محاسبه ارزش فعالیت خانه‌داری زنان در جوامع اسلامی در مجموع ارزش تولید ناخالص داخلی کشور، لزوم بهره‌مندی از بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی، بسته‌های حمایتی کالایی، آموزش‌های اولیه و ضمن خدمت برای انجام هر چه بهتر فعالیت‌های خانه‌داری را از سوی دولت داراست.
۵. در نهایت، تمامی ابزارها در چینش‌های مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفته و چهار الگوی متصور از نظام‌های تأمین اقتصادی برگرفته از فقه ارائه شده است؛ این الگوها عبارت‌اند از:
۱. نظام متداول و جاری در کشور که بر ابزارهای نفقه و مهریه متمرکز است. ۲. نظام حقوقی فقهی محض که بر ابزارهای نفقه و اجرت‌المثل متمرکز است. ۳. نظام تأمین دولتی که بر نفقه و تأمین اقتصادی دولتی متمرکز است. ۴. نظام مطلوب اسلامی که بر نفقه و الزامات برگرفته از اجرت‌المثل - نظیر بیمه - و تأمین اخلاقی فرانفقه از سوی همسر متمرکز است. در مدل پیشنهادی، ابزارهای فقهی با در نظر گرفتن اهداف، الزامات و قیود نظام اسلام (تقویت بنیان خانواده، تسهیل ایفای اولویت از وظایف زن، یعنی همسرمداری، فرزندداری و خانه‌داری و نیز پرهیز از تجاری‌سازی روابط زن و شوهر) چینش شده است.

فهرست منابع

۱. آذریاجانی، مسعود (۱۳۸۸)، «اشتغال زن در اسلام»، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۳.
۲. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۳)، رساله فی نفقة الزوجه، چاپ اول، قم: مؤسسه در راه حق.
۳. امام خمینی (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، جلد ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۴. _____ (۱۳۷۲)، ولایت فقیه، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امامی نمینی، محمود (۱۳۸۶)، «ماهیت مهر و نقد مهریه های سنگین»، فصلنامه مقالات و بررسی ها، دفتر ۸۶.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، جلد ۲۵، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. ترحینی عاملی، محمد حسین (۱۴۲۷)، الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية، جلد ۶، چاپ چهارم، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
۸. جمعی از مؤلفان (۱۳۷۳)، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)، جلد ۳۲، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۹. حزامی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۰. خوانساری، احمد بن یوسف (۱۴۰۵)، جامع المدارك فی شرح مختصر النافع، جلد ۴، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. دفتر آمارهای اجتماعی اقتصادی خانوار مرکز آمار ایران، <https://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=۱۱۶۰>.
۱۲. ذاکر شوشتری، ناصر (۱۳۷۰)، نفقه زوجه و احکام آن در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۱۳. شرف پور، سمانه (۱۳۸۸)، بررسی فقهی حقوقی حقوق مالی زوجه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۱۴. شهید اول (۱۴۱۰)، القواعد والفوائد، جلد ۲، چاپ اول، قم: کتابفروشی مفید.
۱۵. شهید ثانی (۱۴۱۳)، مسالك الأفهام، جلد ۸، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۶. شیخ انصاری (۱۴۱۵)، کتاب النکاح، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۷. شیخ صدوق (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. شیخ طوسی (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، جلد ۷، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶)، هداية العباد، جلد ۲، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم.
۲۰. صدر، محمدباقر (۱۴۰۳)، الفتاوى الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت، چاپ هشتم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۱. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸)، حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طباطبایی حائری، علی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، جلد ۸، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۳. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۲۰)، العروة الوثقی، جلد ۵، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۴، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. عطارد، فاطمه (۱۳۸۵)، «اشتغال زنان پیامدها و راهکارها»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۸۰.
۲۶. علامه حلی (۱۳۷۶)، *تبصره المتقین فی احکام الدین*، چاپ دوم، تهران: دارالفکر.
۲۷. علامه حلی (۱۴۱۰)، *قواعد الأحکام*، جلد ۳، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. علامه مجلسی (۱۴۱۰)، *بحار الأنوار*، جلد ۴۳، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.
۲۹. علیمرادی، امان الله (۱۳۹۱)، «بررسی ماهیت حقوقی مهریه، نوع رابطه آن با نکاح دائم در نظام حقوق خانوادگی اسلام»، *فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۲۸.
۳۰. فضائلی، مصطفی و اولیاء محمدی (۱۳۹۰)، «شرایط استحقاق اجرت المثل زوجه در حقوق ایران و نقد آن»، *دوفصلنامه بانوان شیعه*، سال ۸، شماره ۲۶.
۳۱. فیض کاشانی (۱۳۷۰)، *مفاتیح الشرائع*، جلد ۲، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۲. قره باغی، محسن (۱۳۸۶)، *ترمینولوژی قوانین و مقررات*، چاپ دوم، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۳۳. قلی زاده، آذر و سحر غفاریان (۱۳۹۰)، «آسیب شناسی مهریه و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن»، *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه شناسی زنان*، شماره ۱.
۳۴. قمی، محمد (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، جلد ۶، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۶. محقق سبزواری (۱۴۲۳)، *کفایة الأحکام*، جلد ۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۲۱)، *مائة قاعدة فقهية*، چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۸. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱)، *الفقه علی المذاهب الخمسة*، جلد ۲، چاپ دهم، بیروت: دارالتیاری جدید.
۳۹. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۶)، *صراط النجاة*، جلد ۱، چاپ اول، قم: مکتب نشر المنتخب.
۴۰. میرمعزی، حسین (۱۳۷۹)، «روش کشف نظام اقتصادی اسلام: رابطه فقه و نظام»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام*، شماره ۱۱-۱۲.
۴۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، جلد ۳۱، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.